

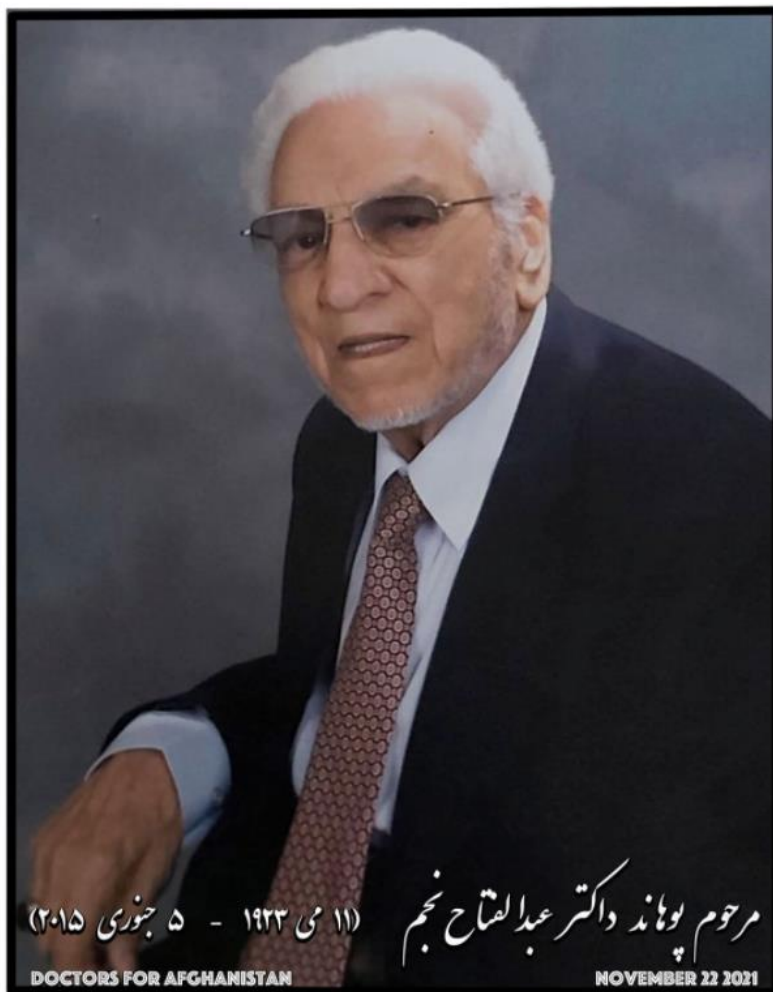


۲۰۲۱/۱۱/۲۷

داکتر ناصر اوریا، بخش: شعراء نخبگان و هنرمندان

معرفی «داکتر عبدالفتاح نجم» در قاموس کبیر افغانستان

سوانح مختصر مرحوم پوهاند داکتر عبدالفتاح نجم پروفیسر و استاد سابقه دار پوهنځی طب پوهنتون کابل، سناتور انتصابی و وزیر اسبق صحت عامه افغانستان. د ښو به ښه یاد شی، د ښو به څه یاد شی!



باید یادآور شد که قسمت عمده سوانح به قلم مرحوم پوهاند صاحب نجم نوشته شده که با تعدیل اندک در فورمات، خدمت دوستان تقدیم میشود.

عبدالفتاح نجم فرزند میرزا علی احمد نجم به تاریخ ۲۱ جوزای سال ۱۳۰۲ هجری شمسی (۲۳ می ۱۹۲۳) در گذر خافی ها در منطقه چنډاول شهر کابل دیده به جهان گشود.

عبدالفتاح نجم بعد از ختم تعلیمات ابتدایی، متوسطه و عالی، در مکتب نجات (مکتب امانی فعلی)، در سال ۱۳۲۳ شمسی (۱۹۴۴م) شامل پوهنځی طب پوهنتون کابل شد. در سال ۱۳۲۹ شمسی (۱۹۵۱م) بعد از تکمیل دوره ستاژ تحت نظر داکتران ترکی و فرانسوی، دیپلوم طبابت (M.D) را بدست آورد. در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲م) بعد از سپری نمودن مؤفقه امتحان امراض داخله تحت نظر استادان فرانسوی، بحیث اسپیشانت داخله شامل کدر علمی شفاخانه علی آباد (نادر شاه روغتون) گردید. وی در پهلوی کار در شفاخانه کدري علی آباد، روزهای چهارشنبه با پروفیسر فرانسوی داکتر بولانژه که آمر سرویس داخله نیز بود، غرض معاینه و تداوی

مریضان به معاینه خانه مرکزی نیز کار می کرد. باید گفت که پروفیسر بولانژه سمت ریاست مؤسسات صحتی علی آباد و شف سناتوریم (مخصوص تداوی و مواظبت مریضان توبرکلوز) را نیز داشت، که سناتوریم شامل مراقبت مریضان زنانه و مردانه بود. داکتران افغان موظف در سرویس داخله علی آباد در آن زمان عبارت بودند از: داکتر فقیر محمد شفا، داکتر حسن علی امامی، داکتر نظر محمد سکندر، میر حیدر احسامی، صمد علی حکمت و داکتر عبدالفتاح نجم.

داکتر نجم بعد از گذشت سه سال در سرویس داخله علی آباد، برای مدت یک سال در شفاخانه مستورات واقع جاده میوند کابل در شعبه اطفال در چوکات کدر علمی نیز به کار گماشته شد.

در شفاخانه اطفال مستورات، یک خانم فرانسوی بنام پروفیسر داکتر کورال، به حیث شف دبیرارتمنت اطفال توظیف بود. داکتر نجم در سال ۱۹۵۶ میلادی برای یک سال تحت نظر داکتر کورال در سرویس اطفال کار کرد و هفته یک روز با پروفیسر کورال غرض معاینه و تداوی اطفال به پولی کلینیک مرکزی می رفت. از جمله داکتران سرویس

اطفال در آن زمان می توان از داکتر عبدالصمد سراج (که تازه از فرانسه آمده بود)، داکتر نظام الدین شهاب زاده، داکتر نصیر احمد نصیر، و داکتر احمد ضیا نام برد. داکتر نجم بعد از یک سال کار و اجرای وظیفه در شعبه اطفال و اخذ سند و تصدیق، دوباره به کار اصلی و مورد علاقه اش در سرویس داخله علی آباد برگشت.

داکتر عبدالفتاح نجم در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی (۱۹۵۷م) با استفاده از بورس تحصیلی (Humboldt) غرض تحصیلات عالی به کشور آلمان غرب رفت. داکتر نجم می گوید که: در جرمنی نصف وقت را در شهر ورزبرگ (Wursburg) در شفاخانه یونیورستی لایپبود (Luidpold) و نصف وقت را در یونیورستی هیدلبرگ (Haidlberg) در شفاخانه کریهل رادیلف (Krehl Rudolf) با پروفیسر ولهیم (Wollheim) و پروفیسر ماتس (Mathes) کار کردم. از اکتوبر سال ۱۹۵۷ الی اکتوبر ۱۹۵۸م بحیث داکتر مهمان تحت نظارت (Dozent)

موظف بودم که بعد از تکمیل موفقانه پروگرام و اخذ تصدیق دوباره به افغانستان عزیز عودت نمودم. داکتر نجم در یادداشت هایش می نویسد که: در این هنگام داکتر علی احمد پوپل وزیر معارف بود، که بعد از مشاهده تصدیق، مرا در سرویس داخله علی آباد به حیث متخصص و داکتر مسئول داخله علی آباد و مسئول شعبه امراض انتانی شفاخانه علی آباد توظیف نمود. شعبه انتانی مجزا از مریضان داخله و در عقب شعبه داخله در دامنه علی آباد قرار داشت.

در پهلوی دیگران، داکتران و متخصصین فرانسوی در مدرن ساختن طبابت افغانستان، تهیه کوریکولم یا نصاب تعلیمی فاکولته طب و تربیه داکتران ورزیده در چند دوره فارغان طب، رول مهم و ارزشمندی را بازی کردند. بعد از عزیمت داکتران و پروفیسران فرانسوی به کشور شان، کار و مسئولیت داکتران افغان سنگین تر گردید. این داکتران افغان علاوه بر کار در شفاخانه ها و عرضه خدمات صحتی در کلینیک های شخصی، مسئولیت تعلیم و تدریس محصلین و دیگر منسوبین طبی را نیز به عهده داشتند. داکتر نجم می نگارد: هنگام اعلان "سفربری" در زمان وزارت دفاع محمد داود خان، سه تن از داکتران ملکی، هریک داکتر عمر وردگ، داکتر عبدالرحیم نوین و اینجانب داکتر عبدالفتاح نجم، بصورت داوطلبانه اشتراک کردیم و بطرف قندهار رهسپار شدیم. در این وقت نائب الحکومه قندهار عبدالغنی خان مشهور به قلعه بیگی و فرقه مشر قندهار جنرال سید عالم شاه بود. ما سه و نیم ماه در قندهار ماندیم که من و داکتر عمر وردگ در شفاخانه ملکی و داکتر عبدالرحیم نوین در منزل یکی از اقارب که مدیر مخابرات بود، بسر برده و در تداوی مریضان از صبح تا شام بذل مساعی می نمودیم. هنگام اقامت ما در قندهار، سرطیب و منسوبین شفاخانه عسکری، نائب الحکومه قندهار و فرقه مشر قندهار با ما پیشامد نهایت نیک و صمیمی داشتند. به فضل خداوند که جنگی با کشور جدیدالخلق "پاکستان" رخ نداد و در روزهای عید قربان دوباره به کابل نزد خانواده های خویش برگشته و دوباره به کارهای محوله خویش ادامه دادیم. داکتر عمر وردگ به کار خود در کلینیک مرکزی، داکتر عبدالرحیم نوین به شعبه نسایی شفاخانه مستورات و اینجانب داکتر نجم به شفاخانه علی آباد رفتم.

داکتر عبدالفتاح نجم علاوه بر مسئولیت های مسلکی و مراقبت مریضان در سرویس داخله و شعبه انتانی شفاخانه علی آباد؛ در تعلیم، تدریس و تربیه محصلین جوان و داکتران آینده وطن در فاکولته طب کابل خدمات شایان و فراموش ناشدنی انجام داده اند. در عین زمان داکتر نجم برای بیشتر از ۱۶ سال بحیث داکتر معالج محمد ظاهر شاه پادشاه وقت افغانستان و فامیل شاهی بود. پوهاند نجم می نویسد که روزی در شفاخانه بودم که تلفون داکتر عبدالرحیم خان معین وزارت صحت عامه (وزیر صحت عامه داکتر عبدالظاهر پدر احمد ظاهر بود که در آن هنگام به سفر رسمی به ایالات متحده امریکا رفته بود) آمد و گفت که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در آینده نزدیک یک سفر داخلی دارد و درخواست یک داکتر لایق و در عین حال دارای روحیه بلند را نموده است. معین صاحب گفت که من شما را معرفی نمودم چون از شما شناخت کافی دارم که یک داکتر لایق و شخصیت قابل اعتماد هستید. معین صاحب یک هفته بعد تلفون نمود و مرا از منظوری شاه به حیث داکتر شاه اطلاع داد. تصادفاً یکی از داکتران مجرب دیگر که در ارگ رفت و آمد داشت و از موضوع باخبر شد. وی در این باره با سرمنشی شاه تماس گرفته و گفته بود که داکتر نجم بهترین انسان و لایقترین داکتر شفاخانه ماست و از اهل تشیع می باشد و از وی خواسته بود که این موضوع را به شاه گوشزد نماید تا از این موضوع پیش از پیش مطلع باشند. شاه از شنیدن این خبر زیاد متأثر و برافروخته شده و به سرمنشی با خشونت گفته بود که در این مرحله که من میخواهم در افغانستان مسئله شیعه و سنی را رفع کنم خودت به عنوان یک سرمنشی به چه دلیل این سخنان بیهوده را به من می گویی. داکتر نجم می افزاید که بعد از این واقعه داکتری که این موضوع را یادآوری نموده بود، از آمدن به ارگ منع شد. داکتر نجم بعد از وقت رسمی در معاینه خانه شخصی اش در خدمت مردم قرار داشت و مریضان را معاینه و تداوی می نمود به استثنای روز های دوشنبه و پنجشنبه که بعد از کار رسمی در شفاخانه، به ارگ شاهی می رفت. قابل یادآوری است که داکتر نجم در بین مردم افغانستان از شهرت، محبوبیت و احترام خاصی برخوردار بود.

در زمان کودتای سفید ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ شمسی توسط محمد داود خان، داکتر نجم در معیت محمد ظاهر شاه قرار داشت که غرض تداوی خونریزی چشم به لندن و ایتالیا رفته بود. بعد وقوع کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ شمسی، داکتر

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

نجم دوباره به افغانستان برگشت و نظر به توصیه دکتر حسن شرق معاون صدارت آن زمان، کمافی السابق دوباره به وظیفه اش در شفاخانه علی آباد توظیف گردید .

داکتر نجم می گوید که: بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ شمسی و سال های تجاوز و سلطه روس ها، این تسلط در ساحه علمی و تعلیمی بیشتر محسوس بود. پوهنخی طب به نام انستیتیوت دولتی طب کابل تغییر داده شد و یک تعداد دیپارتمنت ها منجمله دیپارتمنت مستقل انتانی به نام شفاخانه انتانی این سینا، عرض اندام نموده و اینجانب را نظر به تجارت چندین دهه در بخش انتانی به حیث شف و مسئول شعبه مستقل امراض انتانی مقرر نمودند. تمام مریضان امراض انتانی شفاخانه های مرکز در این شفاخانه مواظبت و تداوی می شدند. شفاخانه انتانی که در عقب جمهوریت روغتون قرار داشت، همانا تعمیر و باغ سابقه ریاست قبایل بود که با وارد کردن تغییرات به شکل شفاخانه درآورده شده بود. علاوه در این شفاخانه سالانه ۴ داکتر انتانی برای ولایات افغانستان نیز تربیه می شد. در این وقت کتاب امراض انتانی در ۴۰۰ صفحه غرض استفاده محصلین صنف پنجم طب و کتاب هایی غرض استفاده عملی در بخش انتانی برای ستاژیران نیز به طبع رسید.

داکتر نجم می افزاید: در سال ۱۹۸۹م که در کابینه دولت شخصیت های غیرحزبی نیز علاوه شد، به حیث وزیر صحت عامه مقرر گردیدم که در حد توان تغییرات لازم، منجمله احیای دوره (PCB) فاکولته طب را که در دوران تسلط روس ها از بین رفته بود، و دیگر تغییرات لازم را انجام دادم. داکتر نجم ادامه می دهد که: هنگام وظیفه ام به حیث وزیر صحت عامه قرار داد رسمی با کشور هنگری امضا نمودم و همچنان در کنفراس سالانه سازمان صحتی جهان (WHO) که در میزان ۱۳۶۹ شمسی (۱۹۸۸م) در شهر ژنیو کشور سویس دایر شده بود اشتراک نمودم. در این کنفراس علاوه بر وزیران صحت عامه کشورهای عربی، وزیران صحت عامه کشور های اندونیزیا، ایران و پاکستان نیز اشتراک داشتند. افغانستان در همان سال نائب رئیس جلسه بود که یک روز هم افغانستان ریاست مجلس را به عهده داشت.

در زمانی که سناتور بودم در کنفراسی که به ارتباط "جلوگیری از تکرر نفوس در آسیا" در شهر بنکاک کشور تایلند بین ۲۲ کشور شرقی (۱۵ - ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۰) دایر شده بود، اشتراک نمودم.

پوهاند داکتر نجم می نویسد که: در سال ۱۹۹۰م بحیث سناتور انتصابی در پارلمان افغانستان برای چهار سال تقرر حاصل نمودم که تا هنگام ورود "مجاهدین" (از پاکستان و ایران) به کابل، به حیث رئیس کمیسیون امور اجتماعی فعالیت داشتم و درضمن هفته چند ساعت را غرض معاینه و تداوی رایگان مریضان پارلمان و اعضای فامیل آنها تخصیص داده بودم .

پروفسر نجم می افزاید که: در مشرانو جرگه یا مجلس سنا در کمیسیون مجلوبین عسکری به حیث رئیس کمیسیون بودم و هکذا در کمیسیون سمع شکایات محبوسین زندان پلچرخ هم عضویت داشتم که برای یک هفته کامل با ۵ نفر از شورا از صبح تا شام به آن محبس می رفتیم .

پوهاند داکتر نجم ادامه داده و چشمدید دردناک خود را چنین بیان می کند: صبغت الله مجددی (رئیس حکومت مجاهدین) به مجرد ورود به کابل اولین کاری را که کرد لغو پارلمان بود. روز بعد من به تعمیر پارلمان رفتم و دیدم که موترهای رؤسای کمیسیون ها، موتر های سرویس و حتی موبل و فرنیچر و دیگر سامان و وسایل پارلمان که در واقع مال ملت و بیت المال بود، توسط "مجاهدین" چور و چپاول گردیده و به غارت برده شده بود. بعد از آن فاکولته طب هم مسدود شده بود و صرف در معاینه خانه ام واقع کلوله پشته در خدمت مریضان و مردم بودم. پوهاند صاحب ادامه میدهد که: روز پنجشنبه تاریخ دوم جدی ۱۳۷۱ شمسی (روزهای اخیر دسمبر ۱۹۹۲م) ساعت ۱ بعد از ظهر چند نفر دزد ملبس با لباس مخصوص "مجاهدین" به نام مریض عاجل به معاینه خانه ام ریختند. دست و پایم را بسته و با تفنگ، تفنگچه و کارد های بزرگ تهدید نمودند. با ضرب قنداق تفنگ به دهنم، چهار عدد دندان پیشرویم را شکستاده، به زمین ریختند و مرا زیاد لت و کوب نموده و مرا خفک کردند. پول و سامان لوکس خانه را دزدیدند و کارد را بالای گلویم نهاده بودند ولی به لطف و مرحمت خداوند از شر شان زنده نجات یافتم.

هشت روز بعد از این واقعه یعنی به تاریخ دهم جدی ۱۲۷۱ شمسی (جنوری ۱۹۹۳م) مرا مجبور به ترک خانه و وطن کردند. مدت دونیم ماه در "اسلام آباد" بودم و به تاریخ ۲۰ مارچ سال ۱۹۹۳م نزد پسر همایون جان به شهر لاس انجلس در ایالت کلفورنیا آمدم.

پوهاند نجم مدت چهل سال به حیث داکتر، استاد و مدرس در فاکولته طب کابل و طب دندان خدمت نمود. وی در پهلوی تحصیل و تدریس به سپورت نیز علاقه داشت و یک ورزشکار خوب بود. از زمان مکتب فوتبال بازی می کرد و برای مدتی کپتان تیم پوهنتون کابل و عضو فعال کلب آریانا نیز بود که به خارج هم سفر هایی داشته است. پروفسر صاحب نجم ازدواج نموده و پدر ۸ فرزند بود، ۵ دختر و ۳ پسر که همه فرزندان شان دارای تحصیلات عالی به سویه داکتر و انجیر اند .

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

پوهاند صاحب نجم بعد از گذشت مدتی در امریکا صمیمی ترین دوست و رفیق خود یعنی همسر مهربان و شریک زندگی اش را از دست داد که داغ و غمی بزرگی را بر قلب محزونش اش نهاد. پوهاند داکتر عبدالفتاح نجم به تاریخ پنجم جنوری سال ۲۰۱۵م چشم از جهان فانی بست و پیکرش در هدیره مسلمانان در شهر سندیاگو - در ایالت کلفورنیا به خاک سپرده شد. د پوهاند نجم اروا دی بناده او فردوس جنت دی خای وی. روح اش شاد، یاد کارنامه هایش گرامی و بهشت برین مکانش باد. با تشکر از همکاری ترینا جان نجم دختر و همایون جان نجم فرزند استاد گرامی از شریک ساختن معلومات .

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند